

ORIGINAL ARTICLE

بررسی وضعیت قرنطینه در بوشهر در بین سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۵ میلادی بر اساس گزارش های بالیوز بریتانیا

Consideration of Quarantine Conditions in Bushehr Between 1905 and 1915, Based on Baliuz of Britain Reports

Mostafa Nadim¹

1- Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Mostafa Nadim; Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran.
mostafa_nadim@yahoo.com

مصطفی ندیم^۱

۱- گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: مصطفی ندیم، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات

و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

mostafa_nadim@yahoo.com

Abstract

Prevalence of contagious diseases through foreign passengers and crews is one the serious problems in big ports. In the late Qajar period, Bushehr port became an important port because of military, political and economical reasons. In this time, some diseases such as plague and cholera prevailed in some Iran's neighbor countries like India and Iraq and spread in Bushehr by passengers and crews.

Iran's government had not any attention to this object. But finally, agreed with organizing a quarantine office by England in Bushehr. This office had some physicians and military forces. During 10 years, this quarantine office had many problems such as offense to the quarantine rules by passengers and crews, sabotage of other European governments and incorrect decisions of Iranian government.

Because supervision of this office was with Britain; most of remained documents about this can be reached from the reports of British political agents, embassy staffs, brokers and head of the console.

The aim of this study is consideration on the condition of quarantine office in Bushehr between 1905 and 1915 based on Baliuz of Britain in Bushehr.

Although these documents are full of wrong political views, but because medicine and quarantine was not a political object; these documents had good validity among other documents.

Key words: Bahrain, Britain, Bushehr, Qajar period

Received: 1 Jan 2013; Accepted: 20 Jan 2013; Online published: 1 Feb 2013

Research on History of Medicine/ 2013 Feb; 2(1): 25-32.



خلاصه مقاله

یکی از مشکلات بندرهای بزرگ، شیوع بیماری های مسری از طریق ورود مسافران خارجی و خدمه کشتی ها است. در اواخر دوره قاجاریه، بندر بوشهر به دلایل مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی به بندر بزرگ و مهمی تبدیل شد و کشتی های کوچک و بزرگ از مناطق دور و نزدیک در اسکله های این بندر، لنگر می انداختند. در همین ایام در کشورهای نزدیک ایران چون عراق و هندوستان هر از گاه بیماری هایی چون طاعون و وبا منتشر می شد و همین بیماری ها از طریق مسافران و خدمه کشتی ها وارد بوشهر می شد.

حکومت مرکزی ایران تا مدتی متوجه اهمیت موضوع نبود اما بالاخره با ایجاد اداره قرنطینه و سرپرستی آن به دست انگلیسی ها موافقت کرد و در پی آن انگلیسی ها اداره قرنطینه را با وجود تعدادی پزشک و نیروی نظامی تشکیل دادند. در طی ده سال زمان مورد نظر، اداره قرنطینه و سرپرستی آن با مشکلات متعددی مواجه شد. عدم رعایت برخی از خدمه و مسافران کشتی ها به قوانین و مقررات قرنطینه، کارشکنی دیگر دولت های اروپایی در برابر انگلستان در این مورد و تصمیمات نابجا و متفاوت حکومت مرکزی ایران از جمله مشکلات اداره قرنطینه در بوشهر بود. از آنجا که سرپرستی اداره قرنطینه بر عهده انگلیسی ها بود، بیشترین اسناد بجای مانده در این مورد، از گزارش های کارگزاران، سرکنسول ها و کارکنان سفارت انگلستان و ماموران سیاسی انگلیسی بدست آمده است.

هدف از انجام این پژوهش بررسی وضعیت ده سال ۱۹۰۵-۱۹۱۵ م اداره قرنطینه در بوشهر بر اساس گزارش های بالیوز بریتانیا در بوشهر است.

اگر چه این اسناد خالی از بغض و غرض ورزی های سیاسی نیست اما از آنجا که مساله پزشکی و قرنطینه، مساله ای غیر سیاسی است، این گزارش ها نسبت به دیگر اسناد از اعتبار بیشتری برخوردار است.

کلمات کلیدی: بحرین، بریتانیا، بوشهر، قرنطینه

مقدمه

اهمیت منطقه خلیج فارس برای دول استعمارگر اروپایی از زمانی معلوم شد که این دولت ها به فکر تصرف هندوستان و ثروتهای آن افتادند. نخستین استعمارگران اروپایی در این منطقه پرتغالی ها بودند. تصرف جزیره هرمز و تسلط بر آن برای چند دهه، در جهت حفظ این منطقه استراتژیکی بود. در همین ایام (قرن هفدهم میلادی) انگلیسی ها با تاسیس کمپانی هند شرقی انگلیس برای تسلط بر هند تلاش های خود را آغاز کردند. در این راستا کمک منافع طلبانه انگلیسی ها به شاه عباس صفوی در اخراج پرتغالی ها از جزیره هرمز، در جهت ایجاد پایگاه و استقرار در خلیج فارس صورت گرفت.¹

انگلیسی ها ابتدا بندر جاسک را پایگاه خود قرار دادند. انگلیسی ها بالاخره پس از نزدیک به یک قرن کشمکش شدید با رقبای اروپایی خود یعنی هلند و فرانسه موفق به کسب سلطه انحصاری بر هند و سپس خلیج فارس شدند. در سال ۱۷۶۲م انگلیسی ها با تاسیس نمایندگی خود در بوشهر فعالیت های سیاسی، اقتصادی خود را در خلیج فارس به صورت رسمی تر و با جدیت بیشتری ادامه دادند.^{2,3}

از ابتدای قرن نوزدهم میلادی دولت بریتانیا با دو رقیب جدید اروپایی روبرو شد، فرانسه و روسیه. ناپلیون برای ضربه زدن به شاهزادگان انگلیس، هند را نشانه گرفته بود و روس ها که با فکر سلطه بر قفقاز و آسیای مرکزی خود را به هند نزدیک می کردند و در هر دو مورد قلمرو ایران در نواحی شمالی و شرقی در معرض خطر قرار داشت. در این میان انگلیس با سیاستی زیرکانه از ضعف درک شرایط جهانی در نزد سلاطین قاجار و اطرافیان سودجوی آنها، حداکثر استفاده را برده، نه تنها منافعتش در جنوب و خلیج فارس مورد تهدید قرار نگرفت⁴ که حتی جای پای خود در افغانستان را نیز محکم کرد.

با فروپاشی حکومت ناپلیون و رسیدن روسیه تزاری به اهداف خود، اینک انگلیس در خلیج فارس قدرت سیاسی، اقتصادی و به ویژه نظامی بلامنزاع بود. ضعف حکومت قاجار نیز راه را برای هر گونه مداخله جویی در خلیج فارس و به ویژه بوشهر باز گذاشته بود. در این میان تنها دلاور مردیهای آزادیخواهان جنوب سد بزرگی در راه نیروهای انگلیسی بود و اگر جز این بود در قرن بیستم و به ویژه در

1- Eghtedari, 2008: 120, 228.

2- Wilson, 1969: 209.

3- Tolouei, 1987.

4- Wilson, 1969: 222.



بهبوحه جنگ جهانی اول، انگلیس تا اصفهان را به تصرف خود در می آورد.⁵ از اوایل قرن بیستم، رقیب جدیدی در منطقه، روبروی انگلیس قد علم کرد و دیگر انگلیس بجای روس، رقابت و نزاع با این رقیب را سرلوحه خود قرار داد و آن دولت آلمان بود.⁶ تا جنگ جهانی اول، آلمانی ها موفق به کسب موقعیت های مهم سیاسی و اقتصادی در منطقه شدند. انزجار مردم از سلطه بریتانیا و یادآوری تجاوزات آنها در منطقه نیز بر وجهه آلمانی ها و ماموران آنها افزود. با تمام تلاش آلمانی ها، بریتانیا همچنان قدرت اول استعمارگر در منطقه خلیج فارس بود و برای ایجاد سلطه و برتری بر هر گونه تاسیسات سیاسی، اقتصادی و نظامی یا نظارت کامل داشت و یا به وسیله عوامل خود آن را کنترل می کرد که از جمله یکی از این تاسیسات اداره قرنطینه بود.

قرنطینه

قرنطینه کلمه ای فرانسوی به معنی برقراری سیستم نظارت بهداشتی به اماکن شیوع بیماری و بستن تمامی راههای ورود احتمالی بیماری است. در فرهنگ دهخدا واژه قرنطینه چنین تعریف شده است: "قرنطینه جایی است که در آن مسافران و عابران را مورد بازرسی قرار می دهند و از ورود بیماران جلوگیری به عمل می آورند، این کلمه از واژه (کاران تن) فرانسوی گرفته شده است.⁷

قرنطینه کردن تاریخی بسیار کهن دارد. مارکوپولو در سفرنامه خود از وجود بیماری طاعون در تبریز و بستن دروازه های شهر و اقامت اجباری خود در آنجا سخن می گوید.⁸

تا این زمان مردم و حکام مهمترین شیوه برخورد با شیوع یک بیماری مسری را بستن دروازه ها می دانستند. از قرن چهاردهم میلادی برای جلوگیری از سرایت بیماری های واگیر، کشتی هایی را که از مناطق آلوده به بیماری حرکت می کردند و یا در بین راه بین خدمه کشتی سرایت می کرد، کشتی را برای مدتی همراه با بار و خدمه و مسافر در محلی جدا و محصور و دور از بندر نگهداری می کردند که معمولاً این زمان چهل روز بود.

در سال ۱۳۷۴ م برای نخستین بار در بندر ونیز که در آن زمان بندری بین المللی بود اقدامات قرنطینه ای اعمال شد اما نخستین پست قرنطینه در سال ۱۳۸۳م در بندر ماری تاسیس شد و به احتمال زیاد این واژه از همین زمان متداول شد. این اقدامات در پیشگیری از شیوع بیماری ها بسیار موثر بود و به همین دلیل دولت ها و حاکمان وقت قوانین و مقررات سختی را اعمال می کردند.⁹

در سال ۱۸۷۶م طاعون در منطقه خلیج فارس شایع شد که تلفات زیادی را در پی داشت. در پی این طاعون، مقامات دولت بریتانیا به حکومت مرکزی ایران پیشنهاد تاسیس مرکز قرنطینه و اجرای مقررات آن را ارایه دادند که با موافقت حکومت ایران، این مرکز در بوشهر تاسیس شد.

بزودی در بنادر عباس، لنگه، آبادان و جاسک مراکز قرنطینه ایجاد شد اما از آنجا که مرکز فعالیت های سیاسی انگلیس ها در بوشهر بود، مجهزترین این مراکز را بوشهر تشکیل می داد.

در این مقاله وضعیت اداره قرنطینه در بوشهر بر اساس اسنادی که از بایوز بریتانیا بجای مانده مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر و جانشین وی کاپیتان تره ور، در مدت ماموریت خود در بین سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۵م گزارش های خود را بطور منظم در اختیار دولت بریتانیا قرار می دادند. این دوره ده ساله یکی از مهمترین برهه های زمانی در تاریخ معاصر ایران است که وقایع مهمی چون انقلاب مشروطیت از جمله این تحولات است. پی آمد انقلاب مشروطیت و استبداد محمدعلی شاه و خیزش آزاد مردان آذربایجان، مناطق دیگر ایران را نیز به جنبش و تکاپو انداخت. بوشهر نیز به عنوان یکی از مهمترین بنادر جنوب ایران از این جنبش آزادخواهی به دور نبود، بزرگ مردانی چون سید مرتضی مجتهد اهرمی رهبری جنبش را بدست گرفته، در کنار مخالفت با استبداد داخلی، از مخالفت با استعمار بیگانه و در راس آن انگلیس غافل نبودند. به همین دلیل بیشتر گزارشات کاکس و جانشین او مربوط به مسایل سیاسی و به ویژه مخالفت های مردمی با استبداد حکومت

5- Amir Ebrahimi, n.d.: 43-4.

6- Pop et al, 2001: 136.

7- Dehkhoda, 1994: 1545.

8- Marco polo, 1984: 41.

9- *History of quarantine in Iran and the world*, n.d.

مرکزی ایران و بریتانیا است. در کنار این گزارش های سیاسی، کاکس و جانشین او دیگر وقایع اقتصادی و اجتماعی را نیز از نظر دور نداشته اند و به همین دلیل اگرچه این گزارش ها خالی از حب و بغض و غرض ورزی های سیاسی نیست اما آن گزارشاتمی که کمتر جنبه سیاسی دارند و به نوعی بازگو کننده تاریخ اجتماعی آن مقطع زمانیست، اهمیت زیادی دارد و از آن جمله، اتفاقات مربوط به اداره قرنطینه در منطقه خلیج فارس و به ویژه بوشهر است. این گزارش ها با تلاش مترجم زبردست و نام آشنا، جناب آقای حسن زنگنه و با همت رییس فرهیخته بنیاد ایرانشناسی شعبه بوشهر جناب آقای دکتر مشایخی تحت عنوان مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر به زیور طبع آراسته شده است. نگارنده ابتدا این گزارش ها را مورد بررسی قرار داده، پس از تجزیه و تحلیل آنها، با طرح یکسری عناوین، نکات مهم را ارایه کرده است.

مکان قرنطینه

در گزارش های موجود بارها از "جزیره" به عنوان محل قرنطینه یاد شده است. اما از آنجا که شیوه نگارش گزارش ها بر اساس اختصار و دوری از حاشیه نویسی بوده است، در هیچ سندی به محل دقیق جزیره اشاره نشده است. از بهترین اسناد موجود، گزارش برادلی برت سیاح در سال ۱۹۰۹م در مورد این محل است. وی ابتدا از قوانین و مقررات سخت قرنطینه در بوشهر توسط انگلیس ها و با حمایت جدی حکومت مرکزی ایران سخن می گوید.

توصیف وی از محل قرنطینه بسیار جالب است:

"جزیره قرنطینه در واقع جهنمی بیش نیست. انسان مادام که با مشکلات و دردسره های آن دست به گریبان است می تواند به خود نوید دهد که سرزمین ایران در فراسوی جزیره، بهشت معهود است. جزیره در دو میلی بوشهر واقع شده و تقریباً فاصله آن تا شهر به اندازه فاصله لنگرگاه بیرونی تا لنگرگاه داخلی است."¹⁰ برادلی برت سپس از ساختمان نیمه مخروبه قرنطینه و اوضاع بد آنجا می گوید. بی جهت نیست که مسافران از رفتن به جزیره وحشت زیادی داشتند و البته ناگفته نماند که بیماری های مسری به ویژه طاعون در آن زمان بلایی نه خامناسوز که سرزمین سوز بوده است و همین سیاح از طاعون به عنوان واژه ای که هر آسیایی را به وحشت می اندازد، یاد می کند.¹¹

با وجود جزیره به عنوان محل اصلی قرنطینه، در برخی موارد از کشتی هایی که مسافران آن بیمار بوده، یا مشکوک به بیماری بود به عنوان قرنطینه استفاده می شد، چنانکه در ماه مه ۱۹۰۵م دو مورد مشکوک بیماری طاعون در کشتی پرسپولیس تشخیص داده شده، این کشتی برای چند روز قرنطینه می شود.¹² در برخی موارد محل سکونت افراد قرنطینه می شد، چنانکه زمانی که مسیو پاسک ژنرال کنسول روسیه در بوشهر به منظور مشایعت دوستش که عازم بمبئی بود، بدون هماهنگی با اداره قرنطینه وارد کشتی شد، با اعتراض دکتر قرنطینه مواجه شده، محل اقامتش را مشمول مقررات قرنطینه اعلام می کنند.¹³ زمانی که جایی به عنوان قرنطینه اعلام می شد، ساکنان این محل حق بیرون آمدن از آنجا را برای حداقل پنج روز نداشتند و مامورانی از بیرون خانه خروج آنها را زیر نظر داشتند.

پزشکان شاغل در قرنطینه

اداره قرنطینه توسط دولت بریتانیا اداره می شد و تمامی کارکنان آن ابواب جمعی ارتش بودند و به همین دلیل قوانین و مقررات آن ابتدا جنبه نظامی داشته و سپس بهداشتی. در بسیاری از گزارشات از فعالیت های پزشکان و یا آغاز و پایان ماموریت آنها اشاره شده است.

به گزارش کاکس در ۱۷ مارس ۱۹۰۷م پزشک بالیوزگری جهت تهیه اعلام جغرافیایی و رسیدگی به امور قرنطینه با شناور جنگی لارنس عازم خرمشهر می شود.¹⁴

در جایی دیگر در ۸ مارس ۱۹۰۸م کاکس از ورود سروان وایت به عنوان ریاست قرنطینه خبر می دهد و اینکه سروان ویلیامز با همین شناور جهت خرید وسایل بهداشتی برای اداره قرنطینه راهی بمبئی می شود. این گزارش بر ما معلوم می دارد

10- Zanganeh, 2001: 181.

11- Ibid: 180.

12- Zanganeh, 2007: 18.

13- Ibid: 18-9.

14- Ibid: 50.



که وسایل بهداشتی بطور عمده از هندوستان وارد ایران می شد.¹⁵ در گزارش دیگری مربوط به ماه نوامبر ۱۹۰۸م کاکس از بازگشت مرخصی سروان ویلیامز جمعی نیروی دریایی هند که پزشک و افسر ارشد اداره قرنطینه خلیج فارس است خبر می دهد.¹⁶ ویلیامز پزشک افسری است که ابواب جمعی نیروی دریایی هند بوده است. اهمیت کادر پزشکی چنان بود که در گزارش های سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر مربوط به سال ۱۹۱۵م ضمن نام بردن از تمامی کادر اداری از مک فرسون به عنوان مقام پزشک نمایندگی و صاحب منصب ارشد طبی قرنطینه خلیج فارس یاد می شود.¹⁷

اطلاع رسانی و اخبار در مورد شیوع بیماری ها و اعلام بیماری

اهمیت شیوع بیماری های مسری و تلفات ناشی از آن در این مقطع زمانی چنان بود که دولت بریتانیا در نواحی مختلف سواحل خلیج فارس و پس گرانه ها تا سواحل اقیانوس هند به طور دائم، در حال اخذ خبر مربوط به بیماری ها در این نواحی بود. به گزارش کاکس مربوط به ۳۱ ماه مه ۱۹۰۸م، به دلیل آنکه چند مورد طاعون در بغداد مشاهده شده است لذا کلیه شناورهایی که از بصره وارد بوشهر و کلیه بنادر خلیج فارس می شوند باید به مدت ۵ روز تحت نظارت قرنطینه باشند.¹⁸ در گزارش کاکس مربوط به ماه آوریل ۱۹۰۹م از سه مورد مرگ در بین ملوانان در کشتی تندرو پست مشکوک به طاعون خبر می دهد.¹⁹ از دیگر وظایف اداره قرنطینه، اعلام وجود بیماری و آلودگی در بک منطقه، اعلام آماده باش و قرنطینه ساختن آن شهر یا محل می باشد. در گزارش های سرکنسولگری به کرات به این موضوع اشاره شده است. چنانکه در آوریل سال ۱۹۱۰م با مشاهده چند مورد بیمار طاعونی در بوشهر، این بندر به عنوان بندری آلوده اعلام می گردد.²⁰ در ماه مه تعداد بیماران بیشتر شده ۴۳ مورد بیماری طاعون و ۳۴ مورد مرگ گزارش می شود. این بیماری تا ماه ژوئن در بوشهر، موجب تلفات زیادی می شود. به گزارش کاکس از آنجا که در هفته آخر ماه ژوئن هیچ مرگ و میری گزارش نشده، پس، از ماه ژوئیه بندر بوشهر بندری سالم و بدون طاعون اعلام می گردد.²¹ به گزارش نماینده سیاسی انگلستان در خلیج فارس در آوریل سال ۱۹۱۱م به علت شیوع طاعون مجدداً بندر بوشهر رسماً به عنوان بندر آلوده به طاعون اعلام می گردد.²²

در ماه مه همین سال ۶۸ مورد بیماری طاعون و ۵۷ مورد مرگ و میر ناشی از این بیماری در بوشهر مشاهده شده، گزارش می شود.²³ اوج شیوع بیماری طاعون در آوریل سال ۱۹۱۲م گزارش شده است. بر اساس این گزارشات بیماری به مناطق دور از بوشهر و به خشت، کنار تخته و دالکی هم رسیده است، چنانکه اهالی این نواحی به قاطرچی ها هشدار داده اند که از آوردن و بردن ساکنان بوشهر و دشتی به علت شیوع طاعون به این مناطق خودداری کنند.²⁴ بر طبق گزارشات طاعون در محزری، قلعه سوخته و قلعه سرحان و اهرم تنگستان و احمدی هم دیده شده است. در بوشهر کار به جایی می رسد که عده زیادی از مردم به ویژه طبقات پایین شهر را ترک کرده، به مناطق امن مهاجرت می کنند تا آنجا که جمعیت بوشهر به شدت کاهش می یابد. بنا به اسناد رسمی حدود ۴۰۰ نفر بر اثر این بیماری از بین رفته اند.

در اثر این بیماری و ترس از ورود به بوشهر، مواد غذایی به بوشهر ارسال نمی شود و به دنبال آن مواد غذایی نایاب و بسیار گران می شود.²⁵ همچنین با فرار عده ای از شهر، سرقت منازل نیز زیاد شده است. ترس چنان بر منطقه حاکم شده است که حتی کنسول ترکیه به حکمران بوشهر نامه نوشته و اظهار کرده است که بنا به دستور رسمی دولت متبوعش، از این به بعد اجازه ارسال جنازه به قلمرو ترک (منظور عتبات عالیات) داده نخواهد شد.²⁶ شیوع طاعون غیر از مرگ و میر، مهاجرت اجباری، کمبود مواد غذایی و گرانی در مواردی موجب نزاع بین ساکنان مناطق مختلف می شود. بنا به گزارشات موجود در ژوئن ۱۹۱۲م عده زیادی از ساکنان جبری به علت شیوع طاعون، بوشهر را ترک کرده، به لاور می روند. در درگیری بین کدخدای لاور و اهالی جبری، کدخدا کشته شده، اهالی لاور به انتقام ۵۰ نفر از اهالی جبری را به طرز فجیعی می کشند.²⁷

- 15-Ibid: 102.
- 16- Ibid: 140.
- 17- Baiat, 1994: 30.
- 18- Zanganeh, 2007: 117.
- 19- Ibid: 176.
- 20 Ibid: 223.
- 21- Ibid: 232.
- 22- Ibid: 264.
- 23- Ibid: 266.
- 24- Ibid: 291.
- 25- Ibid.
- 26- Ibid: 293.
- 27- Ibid: 294.

با فروکش شدن بیماری طاعون و عدم گزارش مرگ و میر در اواخر ژوین، بوشهر به عنوان بندر عاری از طاعون اعلام می گردد.

حمایت از اداره قرنطینه

اسناد و گزارشات موجود بر ما معلوم می دارد که حکومت مرکزی ایران به اهمیت شیوع بیماری های مسری پی برده بود و به همین دلیل با رغبت و یا ناخواسته مجبور به حمایت از مدیریت اداره قرنطینه توسط انگلیسی ها بود. دوری از مرکز، عدم وجود امکانات و لوازم پزشکی، کمبود پزشک و دارو و از همه مهمتر بی مسیولیتی و عدم مدیریت صحیح، موجب شده بود تا حکومت مرکزی ایران نه تنها قادر به کنترل و نظارت بر این مشکل نباشد بلکه از انگلیسی ها نیز در جهت اداره قرنطینه حمایت کند.

بنا به گزارش نمایندگی انگلیس، پزشک نمایندگی مقیم کمافی السابق از سوی دولت ایران مسیولیت اداره امور قرنطینه را به عهده دارد.²⁸

البته در مواردی حکومت مرکزی ایران برای پرستیز سیاسی دستورات و قوانینی را مقرر می کرد که گاهی با مطالعه همراه نبود و مشکلاتی را بدنبال داشت. در ماه مه ۱۹۰۷م در بحرین و کراچی علایم بیماری طاعون بصورت مشکوکی مشاهده شد. بنا به دستور دولت ایران مقررات قرنطینه علیه این دو محل به اجرا در آمد و کسانی که از این دو بندر وارد می شوند باید به مدت ۱۴ روز تحت نظارت اداره قرنطینه باشند.²⁹ با این دستور اعتراضات مردم بالا گرفت و حکومت مرکزی خیلی زود به تندروری خود واقف شد، پس مدت قرنطینه به پنج روز کاهش یافت.³⁰

عدم رعایت مقررات قرنطینه

اگر از سوی حکومت ایران اداره قرنطینه مورد حمایت قرار می گرفت، حاکم بوشهر و دیگر افراد قدرتمدار بوشهر نیز فعالیت های اداره قرنطینه را با دیدی مثبت می نگریدند. اما در مقابل، قانون شکنی ها و حتی مخالفت نسبت به اداره قرنطینه نیز وجود داشت.

این مخالفت ها ریشه در چند عامل داشت. نخستین مخالفت ها از سوی دولت های رقیب بریتانیا صورت می گرفت. نمایندگان سیاسی این دولت ها و به ویژه روسیه به شیوه های مختلف مخالفت و یا به قول خود گزارشگران بریتانیا حسادت می کردند.³¹ عدم توجه به قوانین و مقررات قرنطینه، سرپیچی از دستورات پزشکان و حتی ممانعت از فعالیت پزشکان از جمله این مخالفت ها بود.

در بین ایرانیان نیز عدم درک صحیح از اهمیت قرنطینه مهمترین عامل مخالفت و عکس العمل در برابر اداره قرنطینه بود. البته بدی وضعیت امکانات جزیره و سختی دوره قرنطینه نیز موجب اعتراض مردمی می شد که در این مورد حکومت مرکزی ایران بیشتر از نمایندگی سیاسی بریتانیا مقصر بود. از جمله راههای اعتراض مردم، فرار کردن از دست ماموران قرنطینه بود. این فرارها برخی مواقع با خطراتی نیز همراه بود که مسافران، خدمه و تاجران خرده پا این خطرات را به جان می خریدند.

- قانون شکنی روس ها و آلمانی ها

پیش از این از قانون شکنی مسیو پاسک ژنرال کنسول روسیه سخن به میان آمد. به گزارش کاکس در یکم مارس ۱۹۰۷م کشتی روسی یوفرات عازم بصره می شود. این شناور در بندرعباس بنا به دستور کنسولگری روسیه، مانع از کار دکنتر قرنطینه می شود.³² در واقع روس ها بطور علنی مخالفت خود را با مدیریت انگلیسی ها بر اداره قرنطینه نشان می دهند. با این حال از آنجا که قدرت انگلیسی ها در جنوب بیشتر است و مساله خطر شیوع بیماری مساله ای جدی است، اداره قرنطینه با مسافر، خدمه و کشتی هیچ کشوری تعارف ندارد، چنانکه به گزارش کاکس در هفدهم مارس زمانی که همین کشتی در بصره مسافر پیاده می کند، چون از اداره قرنطینه جواز ورود به بندر را نگرفته است، به عنوان اقدامی تنبیهی مجبور می شود برای مدتی تحت نظارت قرنطینه باشد.³³

در چهاردهم ژوئیه ۱۹۰۷م کشتی خط هامبورگ آلمان وارد بوشهر می شود. نماینده محلی این کشتی آقای کرامپتر با اتفاق همسرش قصد ورود به کشتی را دارند اما موقع ورود پزشک و معاون قرنطینه به ایشان هشدار می دهند که این کشتی تحت مراقبت قرنطینه است و آنها نمی توانند وارد شوند اما ایشان بدون

28- Ibid: 18.

29- Ibid: 71.

30- Ibid: 73.

31- Ibid: 18.

32- Ibid: 49.

33- Ibid: 52.



توجه وارد شناور می شوند. پس از خارج شدن نماینده را به قرنطینه می فرستند. او سخت برآشفته شده، اعتراض می کند اما بهر حال چند روز را در قرنطینه بسر می برد.³⁴

و یا نمونه دیگر از قانون شکنی فرار کنسول ترکیه از مقررات قرنطینه است. در سی ام ژوئیه ۱۹۱۱م وی قصد سفر به لنکه را داشته است اما چون کشتی پستی تحت نظارت قرنطینه بوده، وی برای فرار از قرنطینه با شناور مظفر عازم لنکه می شود.³⁵

یکی از مشکلات انگلیسی ها در اداره قرنطینه عدم درک صحیح مردم از اهمیت قرنطینه بود، هر چند جزیره محل مناسبی نبود و یا اقامت در کشتی برای چند روز سخت بود اما شیوع بیماری همچون طاعون و مرگ و میر، بسیار سخت تر و بدتر از چند روز قرنطینه بود. با تمام این خطرات ناشی از بیماری، برخی حاضر به پذیرش این قوانین و تحمل سختی را نداشتند و برای فرار از قرنطینه حتی از راه مسیله که راههای امنی نبود، فرار می کردند.

در ماه مه ۱۹۰۷م چند مورد طاعون و مرگ و میر در جزیره قرنطینه مشاهده شد و در جزیره بحرین نیز موارد مشکوکی مشاهده می شود. به همین دلیل به دستور دولت ایران هر کس که از بحرین وارد بوشهر می شود باید بمدت ۱۴ روز تحت نظارت قرنطینه قرار گیرد اما با وجود این خطر برخی از قرنطینه فرار می کنند. به گزارش ج. اچ. بیل معاون نماینده سیاسی در خلیج فارس در این ماه یک ایستگاه قرنطینه در مسیله تاسیس می گردد تا اگر کسی قصد فرار از این طریق را دارد، به دام افتد.³⁶

البته چنانکه پیش از این گفته شد با اعتراض مردم به مدت طولانی قرنطینه، از سوی دولت ایران، دستور جدیدی صادر می شود و مدت قرنطینه به پنج روز کاهش می یابد.

از دیگر نکات آنکه در پست های قرنطینه از مسافران بازرسی صورت نمی گرفت و به همین روی، برخی از سودجویان از فرصت استفاده کرده، با خود قاچاق وارد می کردند و در این دوره مهمترین کالای قاچاق اسلحه بود. در آوریل ۱۹۰۸م مدیر گمرک از قاچاق اسلحه توسط عبدالرحیم نامی مطلع می شود و در پی آن مقرر می شود تا در ایستگاه قرنطینه، پست بازرسی مستقر شود.³⁷

نتیجه

نتیجه سخن آنکه، وضعیت آب و هوایی منطقه خلیج فارس و کمبود بیمارستان، پزشک و دارو و عدم رعایت بهداشت عمومی، بنادر این منطقه را همچون تمامی بنادر شلوغ و پر رفت و آمد با خطر شیوع بیماری های مسری مواجه می ساخته است. با ضعف مدیریت در حکومت مرکزی ایران، این دولت ترجیح می دهد تا مدیریت اداره قرنطینه را به دولت بریتانیا واگذار کند. اگر چه در اسناد به طور واضح از قدرت نمایی انگلیسی ها در این راستا سخنی به میان نیامده است اما می توان تصور کرد که بریتانیا در کنار انجام خدماتی در جهت کنترل بیماری ها، تا اندازه ای قصد قدرت نمایی به ویژه به دیگر دولت های اروپایی را داشته است. در واقع بریتانیا در اداره قرنطینه از نوعی اهرم فشار سیاسی به ویژه در مقابل رقبای اروپایی خود همچون آلمان استفاده می کرده است. در گزارشات کاکس و همکارانش بارها از تعداد دقیق محموله کشتی های غیر ایرانی سخن گفته شده است. اگر کنسولگری انگلیس به توسط ایادی خود فروخته خود از محموله کشتی های ایرانی با خبر بود، جای تعجب ندارد اما کشتی های خط هامبورگ چگونه با این دقت مورد رصد قرار می گرفتند، اگر چه انگلیسی ها در اداره گمرکات عواملی داشتند اما بنظر می رسد که اداره قرنطینه خود بهانه ای بود برای سرکشی به کشتی ها و رصد دقیقتر آنها و این در حالیست که در هیچ سندی به این موضوع اشاره نشده است که از سیاسی و زیرکی انگلیسی ها بر می آید.

نکته دیگر آنکه برخی مخالفت ها از سوی ایرانیان را باید به حساب نفرت آنها از بریتانیا و حضور آنها در منطقه دانست. سیاست های تجاوزگرانه بریتانیا نفرت شدید از آنها در نزد مردم را در پی داشت و این نفرت موجب می شد که هر اقدام انگلیسی ها بد تلقی شود و قانون شکنی از دستورات آنها حتی در مورد امر حیاتی قرنطینه نوعی مبارزه به شمار آید.

بهر حال با تمام این گمانه زنی ها، نمی توان از این نکته غافل بود که بهر روی این

34- Ibid: 83.

35- Ibid: 273-4.

36- Ibid: 70.

37- Ibid: 109.

اقدام انگلیسی ها در کنترل بیماری ها در منطقه خلیج فارس نقش بسزایی داشته است حتی اگر تصور کنیم که این اقدامات صرفاً در جهت تامین منافع خودشان بوده است.

References

- Amir Ebrahimi A. *Persian Gulf*. n.p: Persian Gulf Study Group, n.d. [in Persian]
- Baiat K, trans. *World War I in southern Iran (annually Britain Console reports in Bushehr)*. Congress of honor for 80th anniversary of mortar Raeisali Delvari. Bushehr, 1994. [in Persian]
- Dekhoda A. *Dekhoda dictionary*. Tehran: Tehran University, 1994. [in Persian]
- Eghtedari A. [*Khalij Fars az Dirbaz ta Konoon*]. Tehran: Amir Kabir, 2008. [in Persian]
- History of quarantine in Iran and the world*. I.R. Iran veterinary Organization Quarantine and International affairs, n.d. available at: <http://www.e-ivo.ir/contents.aspx?id=4>. Accessed in 5/12/2012p M, Bosh PC. *Persian Gulf in early 20th century*. Translated by Zanganeh H. Teran: Beh Did, 2001. [in Persian]
- Marco polo. *Marco polo's travelogue*. Translated by Sadjadi M, Romano A. Tehran: Gouyesh press, 1985. [in Persian]
- Tolouei M. [*Nabard Ghodratha dar Khalij Fars*]. n. p.: Persian Gulf Study Group, 1987. [in Persian]
- Wilson A. *Persian Gulf*. Translated by Saeidi M. Tehran: Elmi va Farhangi, 1969. [in Persian]
- Zanganeh H. [*Jonoub Iran b Revaiat Safarnameh Nevisan*]. Shiraz: Navid, 2001. [in Persian]
- Zanganeh H. [*Mashroutiat Jonoub Iran b Gozaresh Baliouz e Britania dar Boushehr*]. Tehran: Institute for Research on Contemporary History of Iran, Bushehr Branch, 2007. [in Persian]

